

موقعیت جغرافیایی غدیر خم

معنای لغوی غدیر:

از مجموع معانی مختلفی که در فرهنگ های عربی برای غدیر ذکر کرده اند، می توان تعریف زیر را به دست آورد: غدیر، آبگیر و محل پست طبیعی زمین است که آب باران یا سیل در آن جمع می شود و معمولاً آب آن تا فصل گرما نمی ماند. جمع کلمه ی غدیر به ۴ صورت می آید: غُدْر، غُدْر، اُغْدْرُه، غُدْران. درباره ی علت نام گذاری «آبگیر» به «غدیر» که صفت مشبهه است، به دو جهت ذکر کرده اند:

۱. به معنای اسم مفعول از «مُغَادِرَه؛ رفتن و باقی گذاشتن» و منظور آن است که سیل، آبگیر را پر می کند و آن را با آبش رها می کند و می رود.
۲. به معنای اسم فاعل از «عُدْر؛ حيله و مکر» حيله گر. منظور آن است که آبگیر با آب فراوانی که دارد، هنگام شدت احتیاج، آبش تمام می شود.

معنای اصطلاحی غدیر:

در مسیر سیل هایی که در غرب عربستان از سمت شرقی تا دریای سرخ ادامه می یابد، آبگیرهای متعددی وجود دارد که با عبور سیل در هنگام بارندگی، آب در آن ها باقی می ماند و برکه هایی را تشکیل می دهد که مردم منطقه تا مدت ها از آب آن استفاده می کنند. این برکه ها که در عربی «غدیر» نامیده می شود- در آن سرزمین خشک، ارزش فوق العاده ای دارد و بعد از باران، آب ذخیره ی آن مورد استفاده مسافران قرار می گیرد.

معنای خُم:

به معنای پاکیزگی است. قلب مخموم یعنی دلی پیراسته از حسد، شاید آبی که در آن جمع می شود پاکیزه و شایسته نوشیدن بود. همچنین گردهمایی حجاج در بازگشت از سفر معنوی حج، در آن مکان، بدین مناسبت بوده که در منطقه لبریز از نعمت حیات (آب) و پالوده از هرگونه آلودگی، برترین نعمت الهی یعنی ولایت به مردم عرضه شود و آنان نیز با پیراسته جانی آن را بپذیرند و هرگز حسدورز نباشند.

یاقوت در معجم البلدان از زمخشری نقل کرده است:

«خُم» نام مرد رنگرزی بوده که آبگیر بین مکه و مدینه به او نسبت داده شده است و سپس از صاحب مشارق نقل می کند که گفته است: «خُم» اسم مجموعه درختانی در آنجاست و در آن آبگیری است که به خُم نسبت داده می شود

موقعیت جغرافیایی غدیرخُم

اهل لغت و جغرافی نویسان و تاریخ نگاران، محل غدیرخُم را بین مکه و مدینه دانسته اند. در راه مکه تا مدینه، در ۲۰۰ کیلومتری مکه و ۳۰۰ کیلومتری مدینه، برکه ی آبی به نام «خُم» وجود داشت که با عنوان «غدیرخُم» شناخته می شد.

بین دو رشته کوه در شمال و جنوب، این آبگیر از شرق به غرب کشیده شده و تا دریای سرخ امتداد داشت و در مسیر سیل به صورت زمینی هموار در آمده بود. درختان بیابانی «سَمُر» که به فارسی «کُنار» گفته می شود، به صورت متفرق در این مسیل به چشم می خورد. در یک سوی این زمین هموار،

بر که ی بزرگ غدیرخُم قرار گرفته بود. موقعیت خاص این غدیر در آن بود که آبش در طول سال خشک نمی شد و از این جهت، متمایز از سایر برکه ها بود. از همین رو درختانی چند در کنار آن روئیده بود و محل معروفی برای استراحت مسافران خسته بود ۶. در مناطق مختلف غدیرهای زیادی در مسیر سیل ها وجود دارد که با نامگذاری از یکدیگر شناخته می شوند. این غدیر هم برای شناخته شدن از غدیرهای دیگر به نام «خُم» نامگذاری شده است.

به هر حال آنچه که مشخص است این است که اختلافی درباره ی این که غدیرخُم بین مکه و مدینه است وجود ندارد، و اگر هم بحثی باشد بر سر تعیین مکان دقیق آن بین این دو شهر است. اکثریت قائل اند که غدیرخُم در جحفه است، و قطعاً منظورشان این است که غدیرخُم در وادی جحفه قرار دارد، نه روستای جحفه که میقات است. دلیل این مطلب، مسافتی است که بین جحفه و غدیرخُم تعیین می کنند و معنایش مغایرت جحفه با غدیرخُم است که فاصله ی بین آن دو در نظر گرفته می شود. (وادی جحفه از غدیرخُم آغاز می شود و به دریای سرخ منتهی می گردد و به این ترتیب، غدیرخُم جزئی از وادی جحفه می شود).

چرا غدیر انتخاب شد؟

۱. این مکان در راه بازگشت از مکه یک منزل قبل از تقاطع چند جاده در جحفه و محل متفرق شدن جمعیت قرار داشت. (راهی به سوی مدینه به شرق مایل می شود. راهی به سمت شمال از کنار دریا تا شام می رود، راه دیگری از غرب به دریا می رسد تا با کشتی به مصر و سایر مناطق آفریقا برود) ۹ با توجه به اینکه در مسیر حضرت تا مکه قبایل بین راه کم کم ملحق می شدند تا آن جمعیت عظیم پدید آمد؛ لذا باید قبل از متفرق شدن مردم برنامه انجام می شد و غدیرخُم مکان بسیار مناسبی برای این منظور بود.

۲. کنار این آبگیر ۵ درخت سرسبز و کهنسال از نوع «سَمَر» شبیه درخت چنار وجود داشت که درخت خاص این صحراست. این ۵ درخت با شاخ و برگ انبوه و قامت بلند، سایانی خوب برای مسافران خسته ایجاد کرده بود. لذا در آن شرایط، این بیابان وسیع به عنوان بهترین مکان برای مراسم روز غدیر انتخاب شد. جایگاه سخنرانی نیز همان درختان در نظر گرفته شد که هم مشرف بر بیابان و محل تجمع مخاطبین بود و هم سایبان مناسبی برای ایراد خطبه به نظر می آمد.

۳. اگرچه مسلمانان آن روز اکثراً از سوی مدینه آمده بودند، ولی انتخاب غدیر قبل از این تقاطع حساس در آینده های تاریخ که کاروان ها همین مسیر را طی می کردند، برای همیشه یادآور مراسمی بود که در هجدهم ذی الحجه در آنجا انجام گرفت. یعنی قبل از آنکه کاروان ها متفرق شوند غدیر را که یادآور آن روز مقدس بود، زیارت می کردند.

نام های دیگر غدیر خم

با توجه به این که یک منطقه ی جغرافیایی را به مناسبت های مختلف با نام های متفاوت یاد می کنند، لذا غدیر خم هم در تاریخ با نام های مناطقی که از نظر جغرافیایی، از محدوده ی آن حساب می شود نام برده شده است. در اینجا به برخی از نام های دیگر غدیر خم اشاره می شود:

۱. **وادی خم**: این نام از موقعیت جغرافیایی این مکان که مسیر سیل است، گرفته شده است. در عربی «مسیل» را «وادی» می گویند.

۲. **جحفه**: این نام را از باب «نامگذاری جزء به اسم کل» آورده اند، چرا که وادی خم، جزئی از وادی بزرگ جحفه است. در حدیث آمده «از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که در روز جحفه می فرمود...» در حدیث دیگری می گوید:

«در روز جحفه از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که دست علی علیه السلام را گرفته بود...».

۳. **خَرَّار:** سکونی می گوید «موضع غدیرخیم را خَرَّار می گویند». این تعریف با گفته ی بکری در

مُعْجَم تَوَافِق دارد که می گوید: «خَرَّار، وادی در حجاز است که سیل آن به جحفه می ریزد».

همچنین می گوید: «سیلاب جحفه و غدیر یکی است که همان وادی خَرَّار است». ریشه ی این کلمه به معنی «از بلندی به پستی افتادن» و «ریزش شدید سیل» است (خَرَّ الْمَاءُ: آب صدا کرد).

۴. **غَدِير جَحْفَه چنان که در حدیث زیدبن ارقم آمده است:** «پیامبر صلی الله علیه و آله در حجه الوداع

... در غدیر جحفه بین مکه و مدینه پیاده شد.»

۵. **عُرْبَه:** اسمی است که مردم منطقه، هم اکنون به این نام از غدیر یاد می کنند. بلادی می گوید:

«غدیرخیم امروزه به نام عُرْبَه شناخته می شود و آن آبگیری است که کنار آن تعداد کمی درخت خرماس است.»

این نامگذاری به مناسبت همجواری غدیر با این منطقه است و هر دو در یک وادی قرار دارند.

فاصله ی غدیرخیم تا جحفه

با توجه به این که موقعیت غدیرخیم و جحفه به صورت از شرق به غرب در مسیر سیل است و هرچه به سمت دریا پیش می رود، مسیر سیل وسیع تر می شود و کسانی که در صدد تعیین فاصله ی جحفه تا غدیرخیم بوده اند از زاویه های مختلفی مسافت را اندازه گرفته اند، لذا فاصله ی آن تا جحفه را گاهی سه مایل و گاهی دو مایل و گاهی یک مایل تعیین کرده اند

(یک مایل ۱۶۰۹/۳۴۴ متر است). این موضوع از این نظر اهمیت دارد که برای تعیین دقیق محل غدیر خم از نظر جغرافیایی نسبت آن با جحفه در نظر گرفته شده، زیرا جحفه منطقه‌ی معروفی بوده و هست.

منابع زیر درباره‌ی تعیین فاصله‌ی غدیر خم تا جحفه به دست آمده است:

۱. بکری فاصله را سه مایل تعیین کرده و از زمخشری از قول قائلی نقل کرده که فاصله دو مایل است (و اشاره به ضعف این قول نموده است).

۲. یاقوت حموی (مؤلف معجم البلدان، فیلسوف و جغرافیدان، متولد ۵۷۴ و متوفای ۶۲۶ ه.ق.) فاصله را دو مایل تعیین کرده است.

۳. فیروزآبادی فاصله را سه مایل تعیین کرده است.

۴. نصر و عرّام فاصله را یک مایل گفته اند.

این اختلاف فاصله از یک تا سه مایل (و گاهی هم بیشتر) به خاطر جاده‌های مختلفی است که بین غدیر خم و جحفه وجود دارد، به خصوص آن که وادی جحفه بعد از غدیر خم، رفته رفته پهن تر می شود تا به جحفه و بعد از آن به دریا می رسد. ممکن است در موردی از کنار کوه‌ها اندازه‌گیری شده باشد که نزدیک تر است و یک مایل گفته شده، و در موردی از وسط وادی طی طریق شده و دو مایل گفته شده، و در موردی از حاشیه‌ی وادی اندازه‌گیری شده و سه مایل تعیین شده است.

توصیف عمومی غدیر خم

در تاریخ، صورت کاملی از غدیر خم ترسیم شده که آن را به خوبی قابل شناسایی کرده است، لکن شرایط جغرافیایی منطقه‌ی غدیر خم در طول تاریخ تغییراتی داشته، به خصوص آن که در مسیر سیل

بوده و همین باعث می شده که شکل آن به راحتی تغییر یابد. به همین جهت در توصیف غدیر خم، تغییرات جنبه های حیاتی و طبیعی از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تاکنون را باید در نظر داشت.

۱- چشمه ی غدیر: در نزدیک آبگیر (غدیر) چشمه ی آبی بوده که پس از جاری شدن، به سمت غدیر آمده و در آن می ریخته است. این چشمه گاهی کم آب یا خشک می شده و گاهی در اثر عوامل طبیعی، مسیرش از غدیر عوض می شده و به سمت دیگری می رفته است. در لسان العرب آمده غدیر خم موضعی بین مکه و مدینه است و چشمه ای در آن می ریزد. در معجم البلدان آمده: «خم موضعی است که چشمه ای در آن می ریزد». عیاض می گوید: «غدیر خم بر که ای است که چشمه ای در آن می ریزد، و بین بر که و چشمه، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله است»

۲- درختان: در اطراف چشمه و کنار آبگیر، درختان صحرائی سرسبز و انبوه کهنسالی رشد کرده و محل زیبایی را ایجاد کرده بوده است. گاهی در اثر سیلاب ها این درختان از بین می رفته و یا در سال هایی که آب چشمه کم بوده یا خشک شده، درختان نیز سرسبزی خود را از دست داده یا خشکیده اند. در حدیث طبرانی می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم زیر درختان خطابه ایراد کرده» در حدیث حاکم می گوید: «آن گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله از حجه الوداع بازگشت و در غدیر خم پیاده شد، دستور داد خارهای زیر درختان را کنند» در حدیث احمد حنبل آمده: «برای پیامبر صلی الله علیه و آله با پارچه، سایبانی در برابر آفتاب بر روی درخت سَمْرَه ساختند». در حدیث دیگر آمده: «زیر دو درخت برای پیامبر صلی الله علیه و آله جارو زده شد و حضرت نماز ظهر را خواندند» ۲۵ در روایت ابونعیم آمده است: «هیچ کس در اطراف درختان باقی نماند مگر آن که با چشم خود پیامبر صلی الله علیه و آله را می دید و با گوش خود صدای آن حضرت را می شنید» ۲۶ این درختان از نوع سمره بود و در اشعار و احادیث به عنوان «دوح» به معنای درخت بزرگ نیز یاد

شده است. این درختان، کنار آبگیر بوده و غیر از مجموعه درختانی است که در وادی متفرق بوده اند.

۳- آبگیر: کلمه ی غدیر به معنای آبگیر، همان جایی است که آب سیل و نیز آب چشمه در آن جمع می شود. ۲۸ عرّام می گوید: «غدیرخم در سمت طلوع آفتاب است و هیچ گاه آب آن خشک نمی شود» ۲۹ آبگیر از نظر عمق و عرض و طول در سالیان متمادی که سیل از روی آن عبور کرده، تغییرات زیادی به خود دیده، ولی محل اصلی آن تغییری نکرده است و در طول تاریخ تا امروز به عنوان غدیرخم، محلی معروف بوده است.

سکونت و سابقه ی آبادی در غدیرخم

یاقوت حموی از حازمی نقل کرده که: «این وادی به وخامت موصوف است.» منظور از وخامت، غیرقابل سکنی بودن آن است؛ ولی حموی از عرّام نقل کرده که: «در این منطقه، عده ای از قبیله ی خزاعه و کنانه زندگی می کنند ولی بسیار کم اند». عاتق بن غیث بلادی، سه دلیل ذکر می کند که در این مکان سکونت جمعی از مردم به صورت شهر یا روستای مهمی برقرار بوده است:

۱. وجود چشمه ی غدیر، که یکی از اهالی بلادیه در گذشته ی نه چندان دور، اقدام به حفر مجدد آن برای وفور آب

نموده است. باید توجه داشت که در حجاز، بودن یک چشمه مساوی با برقراری یک روستاست. ضمناً آثار باقی مانده، نشان می دهد که در این مکان آبادی بوده که ساختمان های آن از سنگ بنا شده و حصاری داشته است.

۲. زمین های اطراف غدیر، همه کوهپایه ای و مایل به دشت هستند و تا آن جا که اهل منطقه نقل می کنند سراسر آن را نخلستان پوشانده بوده است. این آبادی می تواند دلیلی بر وجود عده ای به عنوان سکونت در آن جا باشد.

۳. بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، فرزندان صحابه و انصار و قریش در دشت های حجاز متفرق شدند و برای خود، باغ ها و آبادی هایی ساختند که به صراحت تاریخ، مناطق اطراف غدیرخم از آن مناطق است. با توجه به این که در مناطق دوردست تر از غدیرخم، آبادی هایی در کنار آب ها به وجود آمده، استبعادی ندارد در این غدیر هم، وطن کرده باشند و اطراف آن را آباد نموده باشند، چرا که هم به جاده و آبادی های دیگر نزدیک تر است و هم سابقه ی حضور پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جا ثابت بوده است.

این سه دلیل ثابت می کند که سرزمین غدیرخم که امروزه فقط چند چادرنشین در این سو و آن سویس خیمه زده اند،

روزگاری شهر یا روستای آبادی بوده است. از نظر شیعه، دلیل دیگری موارد فوق را تأیید می کند و آن، صراحت تاریخ به وجود «مسجد غدیر» در آن جاست و طبعاً به خاطر عبور حجاج، زمینه ی سکونت نیز در آن جا فراهم بوده است.

مسجد غدیر

از زمان واقعه ی غدیر، آن جا به عنوان مکانی متبرک در تاریخ ثبت شد و چون بر سر راه حجاج بود هیچ گاه از خاطره ها محو نشد. در مکانی که پیامبر صلی الله علیه و آله توقف نمود و نماز خواند و خطابه ایراد کرد و امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان صاحب اختیار و خلیفه ی مردم تعیین کرد،

مسجدی ساخته شد که محل آن بین چشمه و آبگیر بوده است و آن جا را به نام «مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله» نام نهادند و به زیارت آن جا آمدند. بکری می گوید: «بین غدیر و چشمه، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله است». حموی گوید صاحب مشارق گفته است: «خم موضعی است که چشمه ای در آن می ریزد، و بین غدیر و چشمه، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله است».

به تصریح تاریخ، اولین بار عمر اقدام به تخریب و از بین بردن آثار مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر نمود. ابن شهر آشوب در کتاب مثال می گوید: «آثار مسجد غدیر را به دستور عمر مخفی کردند» ۳۴ این، دلالت بر آبادی آن قبل از این تخریب دارد.

بار دیگر مسجد غدیر در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام احیا شد، ولی پس از شهادت آن حضرت، به دستور معاویه آثار غدیر خم با خاک یکسان گردید. ابن شهر آشوب در کتاب مثال می گوید: «صاحب کتاب الأغانی (ابوالفرج اصفهانی) ذکر کرده که معاویه، سائبانی را با دویست نفر از خوارج فرستاد تا آثار غدیر خم را با خاک یکسان کنند». در زمان های بعد باردیگر مسجد غدیر بنا شد، و از آن جا که کناره جاده ی حجاج قرار داشت محلی معروف بود و حتی تاریخ نگاران و جغرافی نویسان اهل سنت هم آن را نام برده و محل آن را تعیین کرده اند. بعد از تخریب معاویه، بازسازی آن را در زمان امام باقر علیه السلام می بینیم که در بیان ماجرای غدیر می فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله از سمت راست جاده به سمت مسجد غدیر آمد، و این را جبرئیل به آن حضرت امر کرده بود» ۳۶ این تعبیر، حکایت از احیا و بازسازی مسجد غدیر بعد از معاویه و در زمان بنی امیه دارد که ظاهراً همزمان با دوره ی حکومت عُمر بن عبدالعزیز بوده است. بعد از آن امام صادق علیه السلام شخصاً به غدیر آمده اند و توضیحات دقیقی از موقعیت جغرافیایی غدیر بیان فرموده اند. حسان جمال می گوید: «امام صادق علیه السلام را از مدینه به مکه می بردم. وقتی به مسجد غدیر رسیدیم، حضرت نگاهی به سمت چپ آن کرد و فرمود: آن جا، جای پای پیامبر صلی الله علیه و آله است آن گاه که فرمود: من

کنت مولاه ... اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. سپس امام صادق علیه السلام به سمت دیگر مسجد نگاهی کردند و فرمودند: آن جا خیمه ی ابوبکر و عمر و سالم مولی ابن حذیفه و ابو عبیده جراح است که پیامبر صلی الله علیه و آله را مسخره می کردند و درباره ی آنان آیه ای نازل شد. امام کاظم علیه السلام نیز به گونه ای درباره ی مسجد غدیر سخن گفته اند که حکایت از آبادی آن در زمان حضرت دارد.

عبدالرحمان بن حجاج می گوید: «از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره ی نماز در مسجد غدیر خم به هنگام روز در حالی که مسافر باشم سؤال کردم. فرمود: در آن جا نماز بخوان که فضیلت خاصی دارد و پدرم امام صادق علیه السلام نیز به آن امر می فرمود»

بعد از آن در زمان غیبت صغری (حدود سال ۲۶۰ ه. ق) علی ابن مهزیار اهوازی را می بینیم که درباره ی بیستمین سفری که به شوق دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به حج مشرف شده، می گوید: «از مدینه به قصد مکه خارج شدم تا وارد جحفه شدم و یک روز آن جا ماندم. سپس از جحفه راهی غدیر شدم که در چهار مایلی آن است. در آن جا وقتی وارد مسجد شدم به نماز ایستادم و سپس صورت بر خاک نهادم و بسیار دعا کردم» ۳۹

از کلام شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه. ق) نیز وجود مسجد غدیر در زمان او فهمیده می شود، آن جا که می گوید: «وقتی به مسجد غدیر خم رسیدی داخل آن شو و هر چه می خواهی نماز بخوان» ۴۰ شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه. ق) نیز به همین گونه سخن می گوید. او در مصباح المتعجّد می گوید: «وقتی حاجی از مکه به سوی مدینه حرکت کرد و به مسجد غدیر رسید وارد آن شود...» ۴۱ قاضی ابن براج (متوفای ۴۸۱ ه. ق)، شیخ ابن ادریس (متوفای ۵۹۸ ه. ق)، شیخ ابن حمزه (متوفای ۵۶۰ ه. ق) و علامه حلی (متوفای ۷۲۶ ه. ق) نیز تصریحاتی به همین صورت دارند که درباره ی نماز در مسجد غدیر است. پس از او شهید اول (متوفای ۷۸۶ ه. ق) به بقای چهار دیواری مسجد غدیر در کتاب دُروس

تصریح می کند و می گوید: «وقتی حاجی به سوی مدینه بازمی گردد و به مسجد غدیر می رسد، وارد آن جا شود و نماز بخواند و بسیار دعا کند. چهاردیواری مسجد غدیر تاکنون باقی است» ۴۲ بعد از ایشان هم، شیخ یوسف بحرانی از قرن دوازدهم تصریحی در این باره دارد. سیدحیدر کاظمی (متوفای ۱۲۶۵ ه.ق) در عمده الزائر می گوید: «از مساجد شریفه، مسجد غدیر خم است و این مسجد نزدیک جحفه است که امروزه به نام رابع خوانده می شود. دیوارهای این مسجد تا امروز باقی است ... راه حج غالباً از غدیر بوده ولی ناصبیان برای مخفی کردن این فضیلت، جاده را تغییر داده اند، اگر چه غدیر به جاده ی کنونی هم نزدیک است»

آخرین کسی که تصریح به بقای مسجد غدیر در زمان خود نموده، محدث نوری است که در احوال استادش سیدمهدی قزوینی حلی (متوفای ۱۳۰۰ ه.ق) می گوید: «با ایشان در رفت و بازگشت حج همراه بودم و با هم در مسجد غدیر نماز خواندیم» نکته ای که در این باره جلب توجه می کند اقدامات پادشاهان شیعه ی هند در احیای مسجد غدیر است. سمهودی در این باره می گوید: «این مسجد چندین بار توسط سلاطین شیعه ی هند، تجدید بنا و بازسازی شده است» البته از آن جا که مسجد غدیر در مسیر سیل بوده گاهی آسیب های طبیعی باعث خرابی آن شده است. به عنوان نمونه سمهودی نقل کرده است: «در زمان دولت عثمانی سیل مقداری از مسجد غدیر خم را خراب کرد» به هر حال، تا صد سال پیش مسجد غدیر برپا بوده، و با آن که در منطقه ی اهل سنت قرار داشته ولی رسماً محل عبادت و به عنوان مسجد غدیر معروف بوده است، تا آن که آخرین ضربه را وهابی ها زده اند. آنان دو اقدام کینه توزانه برای از بین بردن مسجد غدیر انجام داده اند: از یک سو مسجد را خراب کرده و آثار آن را از بین برده اند، و از سوی دیگر مسیر جاده را طوری تغییر داده اند که از منطقه ی غدیر فاصله ی زیادی پیدا کرده است.

موقعیت کنونی

هم اکنون غدیر به صورت بیابانی است که در آن آبیگری و چشمه ی آبی است. این منطقه در حدود ۲۰۰ کیلومتری مکه و در ۲۶ کیلومتری شهر رابغ و در نزدیکی روستای جحفه که میقات حجاج است قرار دارد. مردم منطقه نیز به خوبی از محل دقیق و نام آن آگاه اند و می دانند که شیعیان هر از چندگاهی برای یافتن آن به منطقه می آیند و پرس و جو می کنند. راه رسیدن به غدیرخم هم اکنون از دو راه است: یکی از جحفه و دیگری از رابغ.

خوشبختانه دو محقق شناخته شده از کشور عربستان، اقدام به شناسایی غدیر نموده اند و نتیجه ی تحقیق خود را به طور مستند و به صورت کتابی منتشر ساخته اند:

۱. جغرافیدانی از اهل سنت به نام عاتق بن غیث بلادی که اهل بلادیه در نزدیکی غدیر است. او از طرف دولت عربستان مأمور به شناسایی مسیر هجرت پیامبر شده و در این راه به غدیرخم رسیده و به شناسایی دقیق آن پرداخته است. او در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ ه.ق در دو نوبت شخصاً به آن منطقه سفر کرده و به تحقیق از اهالی آن جا پرداخته و جزئیات جغرافیایی منطقه را به صورت دقیقی ثبت کرده است.

۲. علامه دکتر شیخ عبدالهادی فضلی از علمای شیعه ی شرق عربستان که در سال های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۹ ه.ق شخصاً دو سفر اکتشافی به منطقه ی غدیر داشته و با توجه به منابع تاریخی، اقدام به شناسایی دقیق محدوده ی منطقه ی غدیر و برکه و چشمه ی آن با تحقیقات محلی نموده است.

مهم این است که تحقیقات این دو محقق- با آن که جدا از هم صورت گرفته- نتایج یکسانی داشته و سخن هر دو در شناسایی غدیر یکی است و ما برای آشنایی بیشتر با وضعیت کنونی غدیر، بخش هایی

از گزارش عاتق بن غیث بلادی را در اینجا می آوریم. او مشاهدات جغرافیایی خود را چنین توصیف می کند:

«از جُحْفَه به قَصْرِ عَلِیَا آمدم. در آن جا شخصی از اهل منطقه را دیدم و درباره ی چشمه ی غدیر خم سؤال کردم. او به درختان خرمایی در سمت مشرق اشاره کرد و گفت: آنجا غُربَه است و منظورش همان غدیر خم بود که امروزه گاهی به این نام خوانده می شود. هشت کیلومتر پس از قصر علیا به غدیر خم رسیدم که از شرق رابع ۲۶ کیلومتر است. آبگیری در سمت غربی دشت هست که حدود ۱۵۰ درخت خرما کنار آن است. این دشت قبلاً خَرَّار نام داشته و سیل در آن جاری می شده، ولی هم اکنون تپه هایی در آن ایجاد شده که مانع سیل است. در سمت شرقی این آبگیر، دشت خانق است که آب کوه های شِراء از ۲۵ کیلومتری در آن جاری می شود و به این آبگیر می ریزد که باعث بقای این آبگیر تاریخی شده است. این آبگیر همیشه پر آب است و هر قدر خشک سالی باشد خشک نمی شود. سمت جنوب این آبگیر، صحرای وَبْرِیّه و کنار آن عُوَیْرَضَه است. در سمت غربی و شمال غربی غدیر خم آثار شهری باستانی دیده می شود که حصاری داشته و به وضوح قابل رؤیت است. از جمله این آثار، سه ساختمان بلند یا قلعه که خراب شده است. در سمت شمال شرقی، بیابان سیاه رنگی است که دُوَیَّان نام دارد. در سمت شمال غربی، بیابان رُمَحَه است که جنگل های درخت سَمُر آن را فرا گرفته است. درخت سَمُر نوعی درخت مخصوص بیابان ها و شنزارها است که در حد فوق العاده ای رشد می کند و شاخ و برگ های پرپشت پیدا می کند و شباهت زیادی به درخت چنار دارد و سایه ی مناسبی در صحراهای خشک ایجاد می کند. در سمت شمال، دشت وسیعی است که همان وادی ظَهْر است و سراسر آن را جنگل های درخت سَمُر به گونه ای پوشانده که عبور از آن را مشکل ساخته است ۴۹. گاهی به عنوان غُربَه از آن یاد می شود که جحفه و غربه هردو در یک منطقه قرار دارند. امروزه غدیر خم، به نام غُربَه شناخته می شود و آن، بر که ای است که درختان خرمای اندکی

بر آن روئیده و از آن گروهی از تیره بلادیه از قبیله ی حرب است و در دیار آنان و در هشت کیلومتری شرق جُحفه واقع است و سرزمین هر دو، یکی و همان وادی خَرّار است. چشمه ی جحفه از نزدیک غدیر می جوشد و هنوز گودال آن، آشکار است و در غرب و شمال غربی غدیر، آثار شهری به جا مانده است که دیوارهای سنگی آن، هنوز هم پیداست. ویرانه های این آثار، نشان می دهد که برخی از آنها کاخ یا قلعه بوده اند و شاید هم محله ای از محله های شهر جحفه؛ چرا که به هم شبیه اند.»

به هر حال، نتیجه های تحقیق این دو پژوهشگر به ما اطمینان می دهد که برکه ی غدیر هم اکنون پابرجاست و چشمه ی غدیر نیز می جوشد و آب آن به سمت برکه می آید و در آن می ریزد و جغرافیای غدیر خم با زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تغییر زیادی نکرده است.

منبع:

محمد باقر انصاری، غدیر کجاست؟ صص ۴۰-۶۰؛ <https://imamali.wiki>